

آیا روند مذاکره با مخالفان مسلح جدی است؟

در این اواخر، تلاش‌ها به خاطر مذاکره با مخالفان مسلح دولت از چینل‌های مختلف و به سطوح مختلف به راه انداخته شده است.

بر علاوه اینکه، دولتمردان کشور در سطح ملی و بین‌المللی پیرامون دریافت طرق حل مسالمت آمیز و آغاز مذاکره با طالبان سعی و تلاش می‌نمایند، یک تعداد از نهادها و کمیسیون‌ها نیز، در این راستا دست به کار شده و در پی آن‌اند، تا نکات کلیدی اختلافات را جستجو نموده و باب مذاکره را با مخالفان دولت باز نمایند. چنانکه اخیراً کمیسیونی متشکل از ۱۱ وکیل پارلمان شامل منشی اول ولسی جرگه، شخصیت‌های سیاسی افغانستان و پاکستان برای رسیدن به این نیل در کشور مالدیو با نمایندگان حزب اسلامی از جمله فیروز پسر انجنیر حکمتیار دیدن نموده و روی مسایل مصالحه ملی با هم تبادل نظر کردند.

از جانب دیگر، یکی از دلایل اساسی سفر آقای کرزی به عربستان سعودی که حامی سرسخت و تمویل‌کننده طالبان است، در خواست کمک از پادشاه آن کشور خوانده شده است، تا با استفاده از نفوذش زمینه آشتی با طالبان را فراهم نموده و طالبان را متقاعد سازد که از جنگ دست بکشند.

اما تحلیلگران سیاسی به این عقیده‌اند، که تا زمانی که پروسه آشتی، جنبه ملی نداشته باشد و این پروسه یک پروسه بین‌افغانی نباشد، هیچگاهی به موفقیت نمی‌انجامد.

تحلیلگران معتقد‌اند، قبل از این دید و بازدیدها باید شرایط اعتماد سازی به میان آید، مذاکرات باید صادقانه صورت گیرد، لویه جرگه عنعنوی دعوت شود که در آن بر علاوه نمایندگان مسلح و واقعی کشور، از نمایندگان اصلی مخالفان دولت نیز، دعوت به عمل آید و سپس این مذاکره و مفاهمه در یک فضای کاملاً دموکراتیک و عاری از تشویش صورت گیرد. در آن صورت، این مذاکره به نتایج مثمر و قناعت بخشی نایل خواهد شد. زیرا در صورت عدم حضور نمایندگان مخالفان هرگونه تصمیم مانند فیصله غیابی محکمه در باره شخص غایب مرعی الاجرا نخواهد بود.

از جانب دیگر، موقف جامعه جهانی باید در قبال این موضوع کاملاً مشخص و روشن گردد؛ زیرا تا جایی که دیده شده، پالیسی جامعه جهانی در قبال فضای افغانستان سیاست دوگانه بوده است. بعضی از کشورها از داعیه افغانستان حمایت نموده، ولی بعضی کشورها به آن ابراز موافقت نمی‌کنند.

به نظر کارشناسان موضوع مصالحه ملی در حالی که یک مسأله ملی است، یک موضوع منطقه‌یی و فرمانطقه‌یی نیز می‌باشد؛ بنابراین، ایجاب می‌نماید، تا جامعه جهانی در مجموع و کشورهای منطقه به خصوص در تطبیق این برنامه با افغانستان همگام و هم‌مفکوره گردیده و در این راستا، از هیچگونه بذل مساعی دریغ نورزند. قسمی که تجارب تلخ جنگ‌های خانمانسوز سه دهه گذشته نشان داد که تفرقه اندازی و شعله ورساختن آتش جنگ در این کشور، نه تنها باعث خرابی و بربادی این مرز و بوم گردید، بلکه اثرات ناگوار آن بر کشورهای منطقه نیز، سرایت نموده، دولت و مردم آن کشورها را هم از لحاظ سیاسی و هم از نقطه نظر اقتصادی متأثر و متضرر ساخت.

تا جایی که شنیده می‌شود، بعضی از حلقه‌ها در داخل و خارج از کشور با در نظر داشت منافع فردی، گروهی و سیاسی شان مخالف این پروسه بوده و به نحوی از انحاء، در تطبیق آن موانع ایجاد نموده می‌کوشند، تا این پروسه، به موفقیت نایل نگردد.

چنانکه آقای کرزی نیز در کنفرانس اخیر خویش اظهار نمود که دیدگاه جامعه جهانی نیز در این قضیه شامل است، بنابراین، این موضوع یک قضیه بین‌افغانی نیست.

با تایید اظهارات آقای کرزی با این دیدگاه‌ها چطور می‌توان زمینه اعتماد سازی را ایجاد کرد و اعتماد مخالفان را به این پروسه، جلب نمود.

با در نظر داشت این همه مسایل، باید سعی گردد، تا قبل از آغاز دعوت لویه جرگه، زمینه اعتماد سازی فراهم گردد، سپس لویه جرگه برگزار شود. لویه جرگه عنعنوی قسمی که از نامش پیداست، باید کاملاً یک جرگه ملی، عنعنوی، تاریخی و دور از مداخله و اغراض سیاسی بوده و با شامل ساختن نظریات مغرضانه نباید آنرا بد نام سازیم.

لویه جرگه باید قدامت و استقلال خویش را دارا بوده و زمانی دایر گردد که از آن نتایج مثبت متصور باشد. تا فیصله‌های نهایی آن مورد قبول طرف‌های ذیدخل در مصالحه قرار گیرد.